

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره سوم-پائیز ۱۳۹۳-شماره پیاپی ۲۵

## معرفی محمد تقی خان تشنه طهرانی و نگاهی به نسخ دیوان و سبک شعر او

(ص ۲۷۵-۲۵۵)

محمد رضا معصومی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۲۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵

### چکیده

میرزا محمد تقی خان مشهور به «کلاهدوز»، متخلص به «تشنه» و معروف به «تشنه طهرانی» از شعرای عهد قاجار است که در سال ۱۲۱۰ ه.ق. در مراغه به دنیا آمده است. از دیوان اشعار وی، پنج نسخه خطی در کتابخانه‌های ملی و مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود که تاکنون به چاپ نرسیده است. کاملترین نسخه دیوان وی نسخه شماره ۹۵۱۷ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که به دست فرزند شاعر در ابتدای جمادی‌الاول سال ۱۲۷۸ ه.ق. کتابت شده است و بالغ بر ۴۷۵۵ بیت در قالب‌های قصیده، قطعه، غزل، رباعی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند و مثنوی دارد. در این مقاله ضمن معرفی کامل نسخ دیوان «تشنه» و بررسی احوال و زندگینامه او، اشعار و سبک شعری وی نیز بررسی شده است تا این شاعر بیشتر شناخته شود و جایگاه او و شعرش در دوره بازگشت ادبی نمایان گردد.

**کلمات کلیدی:** تشنه طهرانی، دیوان، نسخه، سبک، قرن سیزدهم ه.ق.

---

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، گروه زبان و ادبیات فارسی، یاسوج، ایران  
masomi25@yahoo.com

### مقدمه

با مطالعه تاریخ ادبیات ایران این حقیقت آشکار می‌شود که در هر عصر و دوره‌ای، حامیان اصلی شعر و ادب غالباً پادشاهان و امیران بوده‌اند زیرا آثار ادبی مخصوصاً شعر، ماندگارترین، تأثیرگذارترین وسیله تبلیغ در نشان‌دادن صفات و بیان کشورگشایی و کشورداری این طبقه بوده است. یکی از این دوره‌های قابل ملاحظه در تاریخ ادبیات ایران، دوره قاجار است. هرچند که در دوره قاجار مصایب و بلاهای زیادی بر کشور و ملت ایران وارد آمده ولی نظم و نثر فارسی نسبت به دوره افشاریه و زندیه رشد و پیشرفت زیادی نموده است تا حدی که برخی آن را از لحاظ تأثیر بر سبک نظم و نثر فارسی و کثرت شعرا و نویسندگان نسبت به دوره قبل دوره ترقی زبان و ادبیات فارسی نامیده‌اند (مقدمه دیوان فتحعلی‌شاه، تصحیح حسن گل‌محمدی: ص ۳۱). در این دوره فضلا و ادبای بسیاری ظهور کردند و کتب تاریخی و علمی بسیاری تألیف گردید و حتی مجتهدان بزرگ هم به شعر و شاعری روی آوردند و اشعار فراوانی از خود به جای گذاشتند تا قرن سیزدهم یکی از قرون برجسته و ممتاز ادبیات فارسی به شمار رود و شعرای این دوره آن قدر زیاد شوند که برشمردن آنهايي که در تذکره‌ها نام و نشانی دارند نیز امری دشوار باشد (نگ: سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه‌کار: ص ۳۵).

یکی از شعرای این دوره که دیوانی مشتمل بر ۴۷۵۵ بیت در انواع قالبهای شعری دارد «میرزا محمدتقی تشنه طهرانی» است. به زندگی و شعر این شاعر به صورت مختصر در برخی منابع و تذکره‌ها مثل الذریعه، مکارم الآثار، حدیقه الشعرا دیوان‌بیگی و تذکره منظوم رشحه پردازش شده است اما تاکنون در مورد اشعار، نسخ دیوان، سبک شعر و زندگی‌نامه او به صورت مفصل تحقیقی صورت نگرفته است. در این مقاله، ابتدا به معرفی «تشنه» و زندگی‌نامه او با استناد به اشعار دیوانش پرداخته شده است، سپس به اشعار این شاعر در تذکره‌ها اشاره شده و در ادامه، بررسی و معرفی مبسوط نسخ خطی دیوان وی انجام گرفته است و در پایان نیز سبک شعر «تشنه» از نظر ادبی، فکری و زبانی بررسی شده است. این مقاله ضمن معرفی دقیقتر «تشنه» و شعر او و مشخص نمودن جایگاه این شاعر در سبک بازگشت ادبی، میتواند در تحقیقات پیرامون سبک دوره بازگشت و شعر عصر قاجار نیز مفید باشد.

### ۱. بحث

#### ۱-۲. زندگی‌نامه

میرزا محمد تقی، خواهرزاده مهدی بیک شقاقی<sup>۱</sup> و از شعرای عهد قاجار است که در سال ۱۲۱۰ ه.ق

<sup>۱</sup> - از شعرای هزل‌پرداز عصر قاجار است (نگ: تذکره اختر، گرجی‌نژاد: ص ۱۷۸ و سخنوران آذربایجان، عزیز دولت‌آبادی: ص ۸۵۷)

در مراغه دیده به جهان گشوده و ابتدا به شغل کلاهدوزی اشتغال داشته است (الذریعه، طهرانی، ج ۹: ص ۱۷۱). وی در اشعارش به مولد خود اشاره دارد:

مرا آخرین باب با رای و هوش      به ملک مراغه فکندم ز دوش  
مرا آخرین مام فرخنده زاد      سرناف ببرید و نامم نهاد  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۴)

وی مشهور به «کلاهدوز» و متخلص به «تشنه» و معروف به «تشنه طهرانی» است، البته در حدیقه الشعرا آمده است که: «مشهور بود که شیرازی است» (حدیقه الشعرا، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶) اما به نظر میرسد که این اشتباه صاحب حدیقه الشعراء، ناشی از شباهت نام و تخلص تشنه طهرانی با شاعر دیگری به نام «میرزا محمد باقر تشنه شیرازی» باشد که نام او در فرهنگ سخنوران و اشعاری از او در تذکره مرآت الفصاحه ذکر شده است (نگ: فرهنگ سخنوران، خیام پور، ج ۱: ص ۱۸۷ و مرآت الفصاحه، داور: ص ۱۲۸).

چنانکه از اشعار «تشنه» برمی آید پدرش ابتدا از تمکن مالی بهره مند بوده است اما پس از مدتی، روزگار از او برگشته و دارایی خویش را از دست میدهد و به دستور پادشاه وقت، محمدشاه قاجار، به کاشان و سپس به ری (طهران) مهاجرت میکند. در این سفر، «محمد تقی» نیز که کودکی بیش نبوده، پدر را همراهی میکرده است. در همین زمان که مقارن با دو سالگی شاعر (۱۲۱۲ ه.ق) است، با مرگ محمدشاه، فتحعلی شاه به پادشاهی میرسد:

چو شه کوفت بر کاخ جنت لوا      به ری شد لب من ز پستان جدا...  
ملک چون ز ملک جهان پا کشید      به فتحعلی شاه نوبت رسید  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۶)

«تشنه» ری را وطن خویش خوانده و چون زن و فرزندان و گروهی از خویشان وی در این شهر بوده اند، بارها دلبستگی خویش بدین شهر را اظهار نموده و از روزگار خوشی که در ری داشته، یاد کرده است (پیشین: ص ۶ و ۸ و ۵۵).

اشعار «تشنه» بیانگر آن است که وی در طول زندگی - به اختیار یا به اجبار - به شهرهای مختلف سفر کرده است. گویا نخستین سفر وی در بزرگسالی، سفر به خراسان بوده است. او در این سفر، مثنوی طنزآمیزی در مذمت وزیر خراسان سروده و به ری بازگشته است. رشحه اصفهانی که نام شاعر را در تذکره خویش «محمد تقی خان شقاقی» نوشته، دو بیت از همین مثنوی را به عنوان نمونه ای از اشعار وی ذکر کرده است (نگ: تذکره منظوم رشحه اصفهانی: ص ۲۷).

«تشنه» پس از مدتی به تبریز و زادگاه خود، مراغه، سفر کرده و سه ماه در آن دیار اقامت میکند. کم لطفی و بی توجهی مردم آن دیار به شاعر باعث میشود که او قصد «خوی» نماید:

خوی افشان از آن ملک پر شور و شر      گرفتم ره خوی به دو چشم تر  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۹)

شاعر که مشمول لطف و صفای مردم خوی میشود، ضمن تعریف از مردم خوی، این شهر را «دارالصفاء» میخواند. وی پس از اقامتی کوتاه در خوی، به «ارمنستان» سفر میکند. او علاوه بر مدح منوچهرخان، امیر مَلک ارمن، به توصیف این مَلک و مردمش میپردازد (پیشین: ص ۹).

«تشنه» در ادامه این سفر به «روم» که به تعبیر او چون «خلد برین» است می‌رود و بعد، از راه دریا به هندوستان سفر میکند. مدت اقامت او در هند دو سال بوده است. اشعار وی حکایت از آن دارد که او پس از هند به بصره، بغداد، کرمان، شیراز، ابرقو، یزد، کاشان، کرمانشاه، اصفهان و بروجرد سفر داشته است. خود شاعر به دوازده سال دوری از موطن اشاره و گلایه دارد:

ز بس گشتم به کشورها، دویدم در بیابانها      سرای این تن من چون سرای ظلّ سلطان شد  
دو شش سال است گردون میزند چون گو به چوگانم      سمندم گه به روم افکند و گه بر زابلستان شد  
(پیشین: ص ۷۷)

تذکرها از سفر «تشنه» به کرمان با عنوان فرار او از طهران تعبیر کرده‌اند. در الذریعه آمده است: «و لَمَّا ذَمَّ بَعْضُ الْأَعَاظِمِ فَرَّ مِنْ طِهْرَانَ إِلَى كِرْمَانَ... (الذریعه، طهرانی، ج ۹: ص ۱۷۱) و صاحب حدیقه الشعرا میگوید: «چون رؤسای سپاه در زمان پادشاهی محمدشاه، آذربایجان بودند، در این باب اشعاری بسیار گفت به اقسام مختلف، بعد از اشتها این اشعار، از رؤسا و عامه سپاه تهدید تخویف شنید و بهراسید و به کرمان رفت. مدتی در کرمان بود، از آنجا به عزم عتبات عالیات عرش درجرات روانه شد» (حدیقه الشعرا، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶).

به هنگام اقامت «تشنه» در کربلا، در سال ۱۲۵۸ ه. ق. حمله «نجیب پاشا» به این شهر رخ داده که موجب مجروح شدن شاعر شده است (مکارم الآثار، معلم حبیب‌آبادی، ج ۲: ص ۳۹۲). «تشنه»، تاریخ این فتنه و قتل و غارت‌های صورت گرفته در آن را با عنوان «غارت کردن نجیب پاشا کربلا را» به شعر درآورده است:

پس از الف و مأتین و پنجاه و هشت      عجم را فتاد از لب بام طشت  
به کرب و بلا شد بلاپی نزول      که عاجز بماند ز وصفش عقول  
سپاهی عیان شد فزون از عدد      که تنگ آمد آن عرصه بر دیو و دد...  
چنان آتش کینه افروختند      که صد خانمان کهن سوختند  
ز بس کشته در روضه‌ها ریختند      یکی محشری از نو انگیختند  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۸۴)

طبق آنچه در حدیقه الشعرا به نقل از «مدایح معتمدی» آمده است، «تشنه» پس از مجروح شدن در فتنه کربلا برای متلایم شدن جراحات درونی و بیرونی به ایران مراجعت کرده و مدتی در

اصفهان مدّاح «معمتالدوله منوچهرخان گرجی»<sup>۱</sup> بوده است (حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶). اشعار شاعر نیز این گفته را تأیید میکند چون در دیوان «تشنه»، هم سه قصیده به مدح معتمدالدوله اختصاص دارد و هم یک مثنوی که «تشنه» در سال ۱۲۶۰ ه.ق، در اصفهان سروده و در آن به مدح منوچهرخان پرداخته است (نگ: دیوان، تشنه طهرانی: ۳)

به نظر میرسد که «تشنه» در فاصله سالهای ۱۲۶۰-۱۲۶۴ دوباره به عتبات سفر کرده باشد چون مؤلف حدیقه الشعراء مینویسد که او هنگام مرگ محمدشاه در عتبات بوده و با جلوس ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ ه.ق) به ایران مراجعت نموده و قصیده‌ای در مدح میرزا تقی خان اتابک (امیر کبیر)، که در همین سال به صدارت رسیده، سروده است. وی در این قصیده، قبایح گذشتگان و شکایت از ایشان را درج کرده و امیر اتابک و زمان وی را ستوده است. امیر انعامش فرموده و از او خواسته که قصاید را به مدح ائمه طاهرین و پادشاه مذیل سازد و در حق وی ساکت باشد، شاید چیز دیگری هم گفته که سبب شده «تشنه» طهران را به قصد همدان ترک کند (نگ: حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶).

از تاریخ دقیق وفات و محل دفن «تشنه» اطلاعی در دست نیست. مؤلف مکارم الآثار مینویسد که وی «تا حدود ۱۲۶۴ زنده بوده» (مکارم الآثار، معلم حبیب‌آبادی، ج ۲: ص ۳۹۲)، مؤلف الذریعه نیز وفات وی را به دو دلیل بعد از سال ۱۲۶۴ ه.ق میداند؛ اول اینکه در دیوان وی، مدایح ناصرالدین شاه که جلوسش در سال ۱۲۶۴ ه.ق است موجود است و دوم اینکه وی در دیوانش عزل حاج میرزا آقاسی، صدر اعظم محمدشاه، را که در سال ۱۲۶۵ ه.ق و در عراق (کربلا) فوت کرده، ذکر نموده است (الذریعه، طهرانی، ج ۹: ص ۱۷۲) و به گفته مؤلف حدیقه الشعراء، «تشنه» پس از مهاجرت به همدان «به قلیل زمان از دنیا رحلت نمود» (حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶).

## ۲-۲. اشعار «تشنه»

اگرچه «تشنه» به شغل کلاهدوزی اشتغال داشته و از این راه امرار معاش میکرده است، از کمال بی‌بهره نبوده و خوب شعر میسروده است تا حدی که در شاعری به شهرت دست یافته و پس از رسیدن اشعارش به گوش فتحعلی شاه قاجار به دربار احضار میشود و به سرودن اشعار و مدایح پادشاه، مأمور و به لقب «خان» مفتخر میگردد (نگ: حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶)، وی در کسوت شاعر، پادشاهی فتحعلی شاه، محمد شاه و ناصرالدین شاه را درک کرده و

<sup>۱</sup> - حاکم (وزیر) اصفهان، متوفی به سال ۱۲۶۳ ه.ق.

<sup>۲</sup> - چنین ذکری در هیچ یک از نسخه‌های موجود از دیوان «تشنه» یافت نشد.

اشعاری مربوط به هر سه پادشاه و وزرا و عمال آنها سروده است. مؤلف حدیقه الشعراء، اشعار او را بسیار و از همه قسم میداند که بسیاری از مردم نسخه دیوان او را داشته‌اند. (پیشین: ۳۳۷).

## ۲-۲-۱. اشعار او در تذکرها

از بین تذکره‌هایی که به احوال «تشنه» پرداخته‌اند فقط در تذکره منظوم رشحه و تذکره حدیقه الشعراء ابیاتی از وی آمده است:

### الف) تذکره منظوم رشحه

در این تذکره دو بیت از مثنوی طنزآمیزی که «تشنه» در مذمت وزیر خراسان سروده،

انتخاب و ذکر شده است:

«خری هیمه میبرد در زیر بار      همی شکر میکرد کای کردگار  
خوشم گر کشم بار هیزم فروش      که بار مظالم ندارم به دوش»  
(تذکره منظوم رشحه اصفهانی، ص ۲۷)

### ب) تذکره حدیقه الشعراء

در این تذکره، هفت بیت از اشعار «تشنه» آمده است. سه بیت از این ابیات از هجویات

معروف شاعر و یک بیت آن مطلع قسم‌نامه‌ای است که در دیوان وی نیز موجود است؛ اما سه بیت دیگر که در نسخ دیوان شاعر یافت نشد چنین است:

ای بت بیار آن بط یاقوت‌رنگ را      مطرب بیا و باز بیارای چنگ را  
زان پیشتر که زاهد صبح افکند نقاب      بی‌پرده پرده پاره کن این نام و ننگ را  
مشعل بسوز و مل به قدح ریز و گل بیار      بشکن ز سنگ میکده پای درنگ را»  
(حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶-۳۳۷)

## ۲-۲-۲. نسخ دیوان

از دیوان تشنه طهرانی، پنج نسخه موجود است که سه نسخه از آن در کتابخانه مجلس

شورای اسلامی و دو نسخه در کتابخانه ملی نگهداری میشود (فهرست دست‌نوشته‌های ایران، درایتی، ج ۵: ص ۳۶۵) و مشخصات آنها بدین شرح است:

### الف) نسخه شماره ۹۵۱۷ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>

کتابت این نسخه را «علی اصغر بن محمد تقی تشنه طهرانی»، فرزند شاعر، در غره جمادی الاول ۱۲۷۸ ه.ق به خط نستعلیق و در ۱۱۳ برگ (۲۲۶ صفحه) انجام داده است. این نسخه دارای جلد تیماج قهوه‌ای با ترنج و سرترنج است و در ابتدای نسخه مهر کتابخانه «باقر ترقی» دیده میشود. صفحات نسخه رکابه‌نویسی دارد و اشعار آن که با عناوین شنگرف تزئین شده است ۴۷۵۵

<sup>۱</sup> - این نسخه، نسخه اساس در این مقاله بوده و در ارجاعات درون متن با عنوان «دیوان» ذکر شده است.

بیت بوده و بجز پاک‌شدگی چند کلمه در ابیات و افتادگی شش مصرع از رباعیات پایان نسخه، هیچ افتادگی دیگری ندارد. بررسی نسخه و مقابله آن با دیگر نسخ نشان می‌دهد که این نسخه اقدم و اکمل نسخ دیوان شاعر است.

در صدر اولین برگ نسخه، کاتب در عبارتی با ذکر نام و تخلص شاعر، دیوان شعر وی را «جهان‌پیما» می‌خواند. این عبارت که با شنگرف نوشته شده، چنین است: «اشعارافصح الشعراء و املح الظرفا الوحيد الزمان عالیجاه محمد تقی‌خان المتخلص بتشنه و سمیته (!) هذا الكتاب بجهان پیمای». اشعار این نسخه پس از این عبارت و نام خداوند، در توحید و با بیت زیر آغاز میشود:

نخستین به نام خداوند پاک      نگارنده چه‌ره‌آب و خاک

و با این بیت به پایان میرسد:

کله‌پز را کله‌گفتم پاچه داد      هر که با نامرد سودا میکنند پا میخورد

پس از این بیت، ترقیمه نسخه کتابت شده است. در ابتدا و انتهای نسخه (قبل از سر لوحه و بعد از ترقیمه)، شخص یا اشخاص دیگری غیر از کاتب اصلی، اشعاری از مغربی، سعدی، شمس تبریزی، فیض و یغما را به یادگار نوشته‌اند. در ذیل برخی از این اشعار، نام نویسنده «علی اکبر» و تاریخ کتابت آنها سال ۱۳۱۹ ه.ق ثبت شده است.

#### ب) نسخه شماره ۱۳۴۰۹ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه در بیستم رجب سال ۱۲۹۴ ه.ق و به خط نستعلیق کتابت شده است. کاتب این نسخه نامعلوم است. صفحات نسخه با عناوین شنگرف تزئین شده و جلد آن تیماج قهوه‌ای است (فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، صدراپی خوبی، ج ۳۶: ص ۳۴۷). در ابتدای این نسخه نیز مهر کتابخانه «باقر ترقی» دیده میشود. این نسخه که در آغاز افتادگی دارد و نسبت به نسخه شماره ۹۵۱۷، کامل نیست دارای ۷۴ برگ و ۱۲۸۵ بیت است و رکابه‌نویسی هم دارد. اشعار این نسخه با این بیت آغاز میشود:

شاخ شکوفه‌بار شد، ابر ستاره‌بار شد      عگه به شاخسار شد، تکیه به شاخسار زد

و با قصیده‌ای که در هجو دایه خان‌بابا خان افشار سروده شده به اتمام میرسد. پس از آن، ترقیمه نسخه بدین صورت کتابت شده است: «حسب الفرمایش نوابه علیه علیه ضیاء السلطنه دامت عفتها صورت اتمام پذیرفت فی بیستم شهر رجب المرجب من شهر سنه ۱۲۹۴ ه.ق».

#### ج) نسخه شماره ۹۵۹ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی

این نسخه در سال ۱۲۹۵ه.ق با خط شکسته نستعلیق و به قلم شخصی «عمو» نام، کتابت شده است. جلد نسخه، تیماج است (فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس، صدرایی خویی، ج ۳: ص ۳۲). عناوین اشعار با خط مشکی نوشته شده و رکابه‌نویسی نیز دارد. تعداد اوراق این نسخه ۹۳ برگ (۱۸۷ صفحه) است و از آغاز، پایان و میان افتادگی دارد. تعداد ابیات این نسخه ۲۳۲۰ بیت و اولین بیت آن چنین است:

ازو نیست پوشیده اسرار ما      کزو گرم سوداست بازار ما  
نسخه با این بیت به پایان میرسد:  
ای باشدن ایاغه مایه شر      بیبعا فساد عالم در

این نسخه در پایان ترقیمه ندارد اما کاتب در صفحه ۱۰۰ (تقریباً اواسط نسخه) یادداشتی نوشته که تاریخ تحریر آن، شب دوشنبه ۱۵ شهر صفر المظفر ۱۲۹۵ه.ق است. وی در این یادداشت علاوه بر ذکر نام خود و تضمین ابیاتی از باب نهم بوستان سعدی، از خوانندگان چنین طلب میکند:  
هر که خواند دعا طمع دارم      زانکه من بنده گنه‌کارم

#### د) نسخه شماره ۲۴۱۳ متعلق به کتابخانه ملی

تاریخ کتابت و نام کاتب این نسخه معلوم نیست. جلد نسخه، تیماج است و اشعار به خط نستعلیق و بیاضی شکل است (فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، انوار، ج ۵: ص ۵۵۵) و رکابه‌نویسی نیز دارد. تعداد اوراق این نسخه ۱۱۵ برگ و حدود ۲۰۰۰ بیت است و آخر نسخه افتادگی دارد. بیت آغازین این نسخه با بیت اول نسخه شماره ۹۵۱۷ کتابخانه مجلس یکسان و بیت پایانی نسخه چنین است:

به منزلگه دوست ماوا گرفت      تو گفستی مکان در کلیسا گرفت

شواهد امر نشان میدهد که این نسخه از روی نسخه ۹۵۱۷ مجلس نوشته شده باشد؛ مثلاً در نسخه مجلس، مصراع دوم چند رباعی افتادگی دارد و چهار رباعی و یک قطعه هم با خط و قلم دیگری غیر از خط کاتب اصلی در حاشیه صفحات نوشته شده است (دیوان تشنه طهرانی، ۱۲۷۸: ص ۱۱۲-۱۱۳)، در نسخه ۲۴۱۳ کتابخانه ملی نیز رباعیهای مذکور عیناً به همان صورت ناقص کتابت گردیده و قطعه و رباعیات چهارگانه فوق‌الذکر نیز از اشعار «تشنه» به شمار آمده و به اشعار او اضافه شده است.

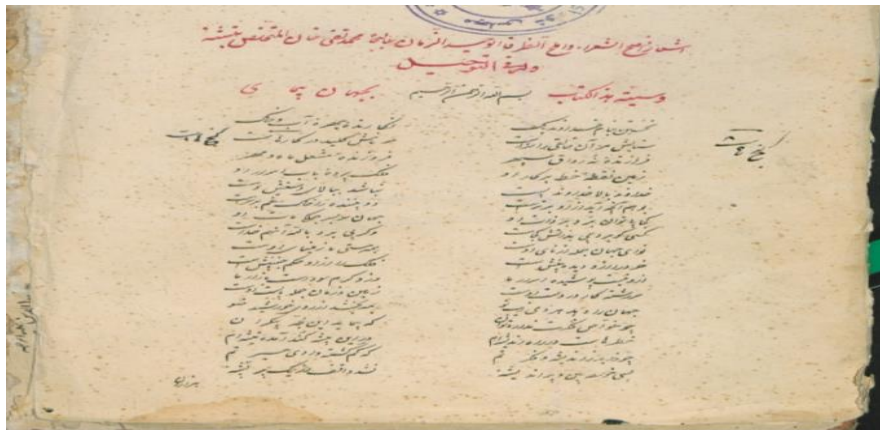
#### ه) نسخه شماره ۲۶۲۳ متعلق به کتابخانه ملی

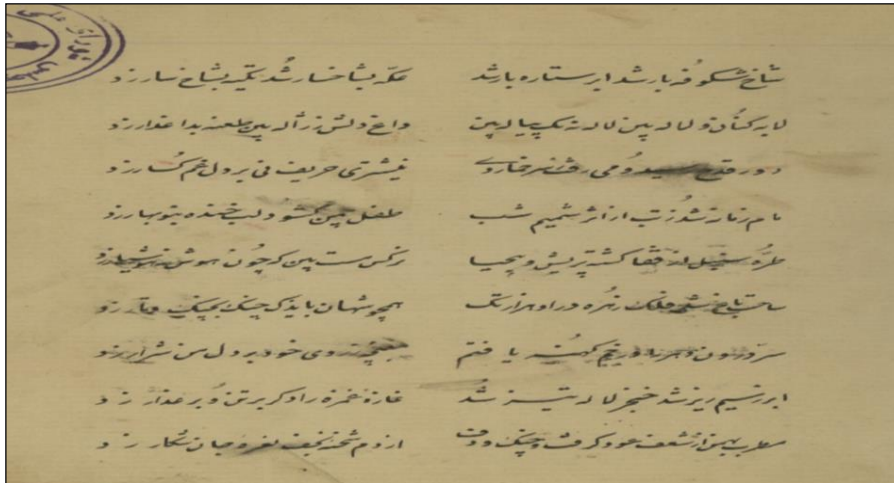


تاریخ کتابت این نسخه بیستم رجب ۱۲۹۴ ه. ق است. کاتب این نسخه نامعلوم و جلد آن تیماج قرمز است (فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، انوار، ج ۶: ص ۱۷۷). اشعار در ۷۴ برگ (۱۴۸ صفحه) و ۱۲۹۰ بیت کتابت شده است. خط این نسخه از آغاز تا صفحه ۸۳ نستعلیق شکسته و از صفحه ۸۳ تا پایان نسخه نستعلیق خوش است. بارزترین ویژگی خط قسمت اول این است که نقطه گذاری کلمات رعایت نشده است و این نکته، درست خواندن اشعار را دشوار ساخته است. عناوین اشعار این قسمت با مرکب مشکی و عناوین قسمت دوم با مرکب قرمز نوشته شده است. این نسخه نیز رکابه نویسی دارد. در سرلوحه این نسخه، شهرت شاعر را «کلاهدوز» و تخلص وی را «تشنه» نوشته اند. بیت آغازین نسخه چنین است:

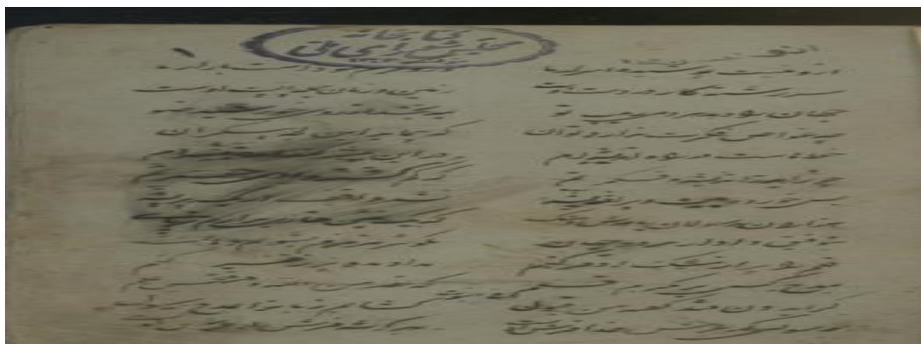
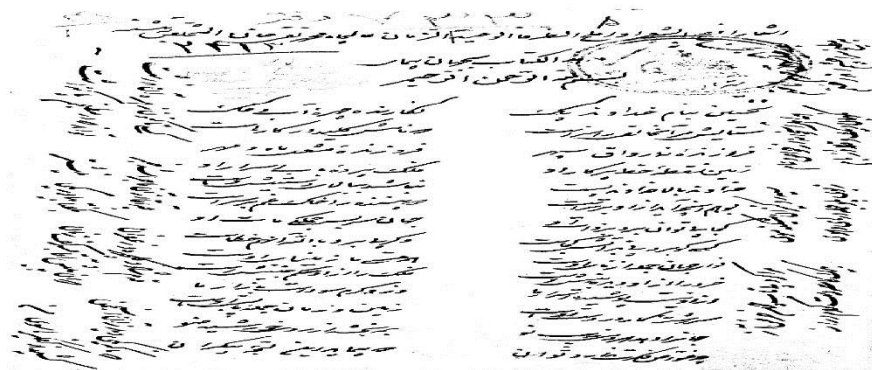
نوبتی فلک کنون نوبت نوبهار زد سوسن شوخ ز فلک دشنه آبدار زد

نسخه با قصیده‌ای که در هجو دایه خان باباخان سروده شده است به پایان میرسد. ترقیمه این نسخه عیناً مانند ترقیمه نسخه شماره ۱۳۴۰۹ مجلس است. با توجه به این مورد و شباهتهای دیگری که این دو نسخه در عناوین اشعار، ترتیب و تعداد ابیات و رسم الخط برخی کلمات دارند به یقین میتوان گفت که یا یکی از این دو نسخه از روی دیگری کتابت شده است و یا مأخذ هر دو نسخه، یکی بوده است.





صفحه نخست نسخه شماره ۹۵۱۷ کتابخانه مجلس	صفحه نخست نسخه شماره ۱۳۴۰۹ کتابخانه مجلس
---	--



صفحه نخست نسخه شماره ۹۵۹ کتابخانه مجلس	صفحه نخست نسخه شماره ۱۳۴۰۹ کتابخانه مجلس
--	--

صفحه نخست نسخه شماره ۲۴۱۳ کتابخانه ملی

از جفا می چسبم تا لب زین و مذاق عطف  
شش خوار خویش کشتن ز آینه کت  
از عطف نبشی ایام نچرمی بسیم بچشم  
از صفایان باز سبتن سوی این کس عطف  
روی و باغی شیندن سبب جفا باشد جفا  
رشته کردن نظم و مدح تا کس که عطف عطف  
چونینا لدول ازین کشور که بعد از جفا  
از عطف ای گلزاره مشاع سلطنت  
از عطف کاری دوران و زکین و کفا  
مردی حبتن ازین کج سیرت نوان عطف  
دست خود بر دین میخ نماند عطف  
زانده کی کردن بیرون پیروسان عطف  
پاکشیدن از مشیت روز مشیت عطف  
روی این کس کس نماند عطف  
نظم بچشم و کفایت دیوان عطف  
رفتیم زینان کوهی جانی عطف  
ماندن اینجا عطف رفتن مکرر عطف  
رفتن مهابتی و آوردن مهابت عطف

سختی عشرت روز فردا که در وقت  
صبح بخیر گوید این صبح است کی در وقت  
محدث بشیر ازین که مشربینم  
خند و کوشش از آن که از آن صفت  
چون دو در خداوندی صفت کند و  
از این خوشتر تمام صفت سکون  
بگیر از ملک خاتم ملک که چندی عطف  
بگیر از سرایم سو که سر چندی عطف  
بگیر از جود صفت را که از آن صفت  
بگیر از عدل روز از هر صفت که از آن صفت  
بگیر از سبک رویان را که از آن صفت  
بگیر از این برتر ازین بر صفت که از آن صفت

صفحاتی از نسخه شماره ۲۶۲۳ کتابخانه ملی

با توجه به تقسیم‌بندی‌های مشهور سبک‌های ادبی، شعر «تشنه» جزء سبک بازگشت ادبی است. آن دسته از شاعران این سبک که از دوران فتحعلی شاه تا عصر ناصرالدین میزیسته‌اند به دو شیوه عراقی و خراسانی نظر داشته‌اند، آنان که به دنبال ثناگستری و مدح بوده‌اند به شیوه شاعران دوره‌های سامانی، غزنوی و سلجوقی نظر داشته‌اند (نگ: سبک‌شناسی شعر فارسی، غلامرضایی: ص ۲۵۵) و آنهایی که دستی در غزل داشته‌اند به شیوه سعدی و حافظ غزل سروده‌اند، بنابراین میتوان نتیجه گرفت که «نهیضت بازگشت ادبی دو شاخه اصلی دارد: اول قصیده‌سرایی به سبک شاعران کهن خراسانی و عهد سلجوقی...، دوم غزلسرایی به سبک عراقی» (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۳۰۶). «تشنه طهرانی» از آن دسته شعرای سبک بازگشت ادبی است که در دیوانش علاوه بر اینکه هر دو شاخه مذکور مشاهده میشود، در سرودن دیگر قالبهای رایج شعر فارسی نیز طبع آزمایی کرده و در این اشعار ضمن آنکه به سبکهای خراسانی و عراقی نظر داشته است، از تأثیر زبان دوران خود نیز برکنار نبوده است.

## ۲-۳-۱. از نظر ادبی و هنری

چنانچه اشاره شد کاملترین نسخه دیوان «تشنه» ۴۷۵۵ بیت دارد. شاعر، این ابیات را همانند دیگر شعرای دوره قاجار در انواع قالبهای شعری و به شرح زیر سروده است:  
**قصیده:** در بین قالبهای شعری دیوان «تشنه»، قصیده بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. شاعر، ۲۰۴۶ بیت از اشعار خود را در قالب هفتاد قصیده و سیزده بحر عروضی به شرح زیر ارائه کرده است:

۱- بحر رمل مثنی مخبون محذوف: ۳۹۳ بیت ۲- بحر مجتث مثنی مخبون محذوف: ۳۵۲ بیت ۳- بحر رمل مثنی محذوف: ۳۰۸ بیت ۴- بحر مضارع مثنی مخرب مکفوف محذوف: ۲۵۵ بیت ۵- بحر هزج مثنی سالم: ۱۹۲ بیت ۶- بحر هزج مثنی مخرب مکفوف محذوف: ۱۲۵ بیت ۷- بحر هزج مسدس محذوف: ۱۱۸ بیت ۸- بحر هزج مسدس مخرب مقبوض محذوف: ۷۵ بیت ۹- بحر متقارب مثنی سالم: ۷۳ بیت ۱۰- بحر منسرح مثنی مطوی منحور: ۵۵ بیت ۱۱- بحر منسرح مطوی مکشوف: ۴۲ بیت ۱۲- بحر هزج مثنی مخرب: ۳۹ بیت ۱۳- بحر رجز مثنی مطوی مخبون: ۱۹ بیت.

«تشنه» این قصاید را در درجه اول به مدح و بعد از آن به هجو اختصاص داده است. از میان قصاید او، هشت قصیده در مدح و منقبت حضرت علی(ع)، یک قصیده در مدح امام زمان(عج) یک قصیده در عبرت‌گرفتن از دنیا و بقیه قصاید در مدح یا هجو شاهان، بزرگان دربار، وزرا و والیان عصر سروده شده است. تنها قصیده‌ای که کاملاً به زبان ترکی سروده شده، همان قصیده معروف چهل و هشت بیتی در مذمت ترکان است که «تشنه» با سرودنش، تهدید شده و به کرمان گریخته است (نگ: دیوان، تشنه طهرانی: ص ۷۵).

**مثنوی:** دومین قالب شعری مورد توجه «تشنه» مثنوی است. وی ۱۴۷۴ بیت از اشعار خود را در **سی و هفت مثنوی و چهار بحر عروضی** بدین شرح سروده است:

۱- بحر متقارب مثنی سالم: ۱۱۷۱ بیت ۲- بحر سریع مطوی مکشوف: ۱۳۰ بیت ۳- بحر رمل مسدس محذوف: ۱۱۱ بیت ۴- بحر هزج مسدس مخرب مقبوض محذوف: ۶۲ بیت.  
 او مثنوی را برای موضوعات توحید خداوند، نعت رسول(ص) و چهارده معصوم، ذکر حوادث

زندگی خود، شرح وقایع تاریخی، داستان پردازی، وصف، پند و اندرز، مدح و هجو رجال سیاسی به کار برده است. زبان او در مثنویهایش ساده و روان است، مخصوصاً در حکایت پردازیها مثل حکایت «دعوت سگی به خوان سلطان» یا داستان «مهمانی کردن خرس را به خانه خود» چنان سهل و ممتنع سخن میراند که ناخودآگاه خواننده را به یاد سعدی و حکایات بوستان می‌اندازد. **قطعه:** ۶۶۲ بیت از اشعار «تشنه» در **پنجاه و پنج** قطعه و **نه** بحر عروضی سروده شده است:

۱- بحر خفیف مسدس مخبون: ۱۴۴ بیت ۲- بحر رمل مثنی محذوف: ۱۲۳ بیت ۳- بحر منسرح مثنی مطوی منحور: ۱۰۷ بیت ۴- بحر مجتث مثنی مخبون محذوف: ۸۱ بیت ۵- بحر متقارب مثنی سالم: ۷۸ بیت ۶- بحر مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف: ۷۸ بیت ۷- بحر هزج مسدس اخرج مکفوف محذوف: ۲۳ بیت ۸- بحر هزج مثنی سالم: ۱۸ بیت ۹- بحر رمل مسدس مخبون محذوف: ۱۰ بیت.

درونمایه اصلی قطعه در دیوان «تشنه» هجو و مدح بزرگان سیاسی است. در میان قطعه‌ها، قطعه‌ای پنجاه بیتی با عنوان «مناجات‌نامه در عهد فتحعلی شاه قاجار» وجود دارد که مؤلف حدیقه الشعراء از آن با عنوان «قسم‌نامه» یاد کرده، چنین می‌گوید: «در دولت خاقان<sup>۱</sup>، بعد از قضیه جدال روسیه، قسم‌نامه‌ای گفت که مطلعش این است:

دیدم شبی به واقعه شخصی گرفته بود دامن حق که ای تو خداوند اکبری

و در آنجا بسیاری از مردمان کم‌اصل را که به دولت رسیده‌اند شفیع کرده، آن وقت چند چیز خواهش میکند که در واقع ترضیع جماعتی است. آخر خطاب به آسمان و اظهار پریشانی و عسرت کرده و طلب مالیه نموده ... این قسم‌نامه مشهور شد و به عرض خاقان مبرور رسید، اگرچه جای سیاست داشت ولی معفو شد» (حدیقه الشعراء، دیوان‌بینی شیرازی، ج ۱: ص ۳۳۶).

**غزل:** در دیوان تشنه، بیست و دو غزل در ۱۷۸ بیت و هشت بحر عروضی وجود دارد:

۱- بحر رمل مثنی مخبون محذوف: ۵۷ بیت ۲- بحر هزج مثنی سالم: ۳۹ بیت ۳- بحر مجتث مثنی مخبون محذوف: ۲۸ بیت ۴- بحر مضارع مثنی اخرج مکفوف محذوف: ۲۴ بیت ۵- بحر رمل مثنی محذوف: ۹ بیت ۶- بحر هزج مسدس اخرج مقبوض محذوف: ۸ بیت ۷- بحر رجز مطوی مخبون: ۷ بیت ۸- بحر هزج مثنی اخرج مکفوف محذوف: ۶ بیت.

«تشنه» یکی از غزل‌های خود را در هشت بیت و کاملاً به زبان ترکی سروده است. غزل‌های «تشنه» زیبا، شیوا و دلنشین و از نظر ترکیب واژگان و خلق معانی از دیگر اشعار وی برتر است. او در غزل به سعدی و حافظ نظر داشته و غزل‌های خویش را به شیوه‌ای بینابین این دو شاعر سروده است.

**رباعی:** تعداد رباعیات دیوان «تشنه» بیست و چهار مورد و در وزن و بحر رایج رباعی

است که غالباً عنوان «رباعی» در صدر آنها کتابت شده است. از این رباعیات، هشت رباعی در مدح حضرت علی (ع)، چهار رباعی در وصف «سلطان»، زوجۀ یکی از ممدوحان شاعر، سه رباعی در هجو

<sup>۱</sup> منظور فتحعلی شاه قاجار است.

«آقا محمد صالح کرمانشاهی» و بقیه در وصف حرفه‌ها و صنعت‌های رایج در زمان شاعر و صاحبان آنها مثل قصاب، علف (هیزم‌فروش)، عطار، بقال، حداد، دباغ، صباغ و رزاز است. البته در حاشیه نسخه شماره ۹۵۱۷ مجلس، چهار رباعی دیگر به قلم شخص دیگری غیر از کاتب اصلی در مورد خیاط، نجار، قناد و زرگر نوشته شده است که در شمار رباعیات شاعر محاسبه نگردید(نگ: دیوان، تشنه طهرانی: صص ۱۱۲-۱۱۳).

**ترکیب‌بند:** در دیوان «تشنه» سه ترکیب‌بند موجود است که شاعر در سرودن هر سه مورد، به ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی در سوگ امام حسین(ع) نظر داشته است. ترکیب‌بند اول او در دو بند، **پانزده بیت** و با مضمون «غارت اموال آقاخان در بم» بر وزن ترکیب‌بند محتشم است و چند مصراع از آن را نیز تضمین کرده است:

گفتی تمام زلزله شد خاک ملک بم      گفتی فتاد از حرکت آب آن دیار...  
 بم آنچنان به لرزه درآمد که بادگیر      «افتاد در گمان که قیامت شد آشکار»  
 جمعی که چرخ غاشیه کش بودشان به فخر      گشتند از جفای فلک بر شتر سوار  
 (دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۸)

ترکیب‌بند دوم در هجو «آقا محمد صالح کرمانشاهی» است که به صورت پارودی یا نقیضه‌ای از شعر محتشم سروده شده است. «تشنه» در این ترکیب‌بند، مهمانی رفتن این شخص به خانه‌های مردم را با زبان طنز و در هفت بند و **هشتاد و شش** بیت با مطلع زیر بیان کرده است:

بر خوان مفت چون صلحا را صدا زدند      اول صلابه صلح بی‌حیا زدند  
 (دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۰۱)

ترکیب‌بند سوم در تعزیه امام حسین(ع)، در دوازده بند، ۱۱۵ بیت و مطلع زیر است:  
 خاموش شد چو شمع شبستان مصطفی      آویخت خار غم به گریبان مصطفی  
 (دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۰۹)

**ترجیع‌بند:** تنها ترجیع‌بند دیوان «تشنه» در هفت بند، ۱۳۰ بیت و در بحر خفیف مسدس مخبون است. این ترجیع‌بند در هجو میرزا باقر، وزیر همدان، است. «تشنه» در نکوهش میرزا باقر از فحاشی و هتاکی فروگذار نکرده و کلام را به هزل کشانده است(نگ: تشنه طهرانی، دیوان: ص ۹۳).

**تک‌بیت:** در پایان نسخه شماره ۹۵۱۷ مجلس از دیوان «تشنه» و در ادامه رباعیات او دو تک‌بیت وجود دارد که در وصف کله‌پز است و آن دو بیت چنین است:

نگار کله‌پز من که دل سراچه اوست      تمام لذت عالم میان پاچه اوست  
 کله‌پز را کله گفتم پاچه داد      هر که با نامرد سودا میکند پا میخورد

بیت نخست از میرزا نوری فتوی، شاعر قرن یازدهم است که در تذکره نصرآبادی نیز ذیل اشعار این شاعر ذکر شده است(نگ: تذکره نصرآبادی، ج ۱: ص ۲۷۷)، اما سراینده بیت دوم یافت نشد و به نظر میرسد از خود «تشنه» باشد.

با اینکه «تشنه» ترک زبان بوده است؛ اشعار ترکی دیوان وی از هشتاد و دو بیت تجاوز نمی‌کند. در بین این اشعار، یک غزل نه بیتی و یک قصیدهٔ چهل و هفت بیتی وجود دارد و بقیه، ابیاتی است که شاعر در لابلای قطعه‌ها و قصاید فارسی گنجانده است. نظر به اینکه مبنای کار شعری دورهٔ بازگشت ادبی بر اقتفا و تقلید از قدماست و این شعرا در تقلید میکوشند تا هم از نظر لفظ و شیوهٔ بیان و هم از نظر محتوا و توصیفها به سرمشقه‌های خود نزدیک شوند و در اقتفا نیز سعی دارند تا بسیاری از اشعارشان در پاسخ به شاعران قدیم فارسی باشد؛ بنابراین وزن‌ها، ردیفها و قافیه‌های شعری سبک خراسانی و عراقی در دیوان شعری سبک بازگشت مکرر شده است (نگ: سبک‌شناسی شعر، غلامرضایی: ص ۲۵۷). در دیوان «تشنهٔ طهرانی» هم علاوه بر اینکه اشعاری با وزن و قافیۀ اشعار شاعران سبک‌های خراسانی و عراقی به چشم می‌خورد، توجه این شاعر به مقولۀ اقتفا و مدّ نظر داشتن اشعار متقدّمینی نظیر حافظ، انوری، ناصر خسرو و امیر معزی کاملاً مشهود است (نگ: دیوان، تشنهٔ طهرانی، ص ۷۰ و ۷۱ و ۸۰ و ۸۷ و ۱۵۰).

در شعر «تشنه»، هر سه نوع ردیف (اسمی - فعلی و حرفی) کاربرد دارد و در مقایسهٔ این سه نوع ردیف، کاربرد ردیف فعلی بیشتر است. این ردیفها از نوع ردیفهای کوتاه یک‌واژه‌ای مانند « است، کند، شد، دیدم، کردی، دارد، نیست، زدند، کنند، ببخش، من، غلط، رمز، را و ...» است.

### برخی نکات بلاغی

«تشنه» در استفاده از بیان و بدیع، چندان اصرار نداشته و به صورت طبیعی و معتدل و بر حسب نیاز از تشبیهات و استعاره‌های ساده و آرایه‌های ادبی نظیر جناس، مراعات نظیر، موازنه، تلمیح و تضمین به صورت محدود استفاده کرده است. در اینجا به مواردی از این اشعار اشاره میشود:

#### ۱- تشبیه:

در تشبیهات به کاررفته در دیوان «تشنه» از نظر طرفین تشبیه بیشترین سهم به تشبیهات محسوسه اختصاص دارد که هر دو طرف یا دست کم یکی از طرفین محسوس و ملموس است:

از دست تنگ چشمی ابنای روزگار	بر من زمانه تنگتر از چشم سوزن است (دیوان، تشنهٔ طهرانی: ص ۱۹)
بهار آمد و گلزار، باغ رضوان شد	چو زلف حور پر از مشک، طرف بستان شد (پیشین: ص ۲۰)
فلک چو معبد زردشت گشت و روشن شد	هزار مجمره در وی ز مشک و عنبر و عود (پیشین: ص ۴۲)
مدح من و رای او چو ذره و خورشید	وصف من و فضل او چو زیره و کرمان (پیشین: ص ۴۷)
زادهٔ طبعم همه چو لعل بدخشان	رشحهٔ کلکم همه چو لؤلؤ و مرجان (پیشین: ص ۵۹)
دامن‌کشان سکینه چو مرغ شکسته‌بال	چون عندلیب زار بر عابدین نشست (پیشین: ص ۱۰۹)

البته «تشنه» اضافه‌های تشبیهی نظیر نخل قناعت، خسرو گل، مام زمانه، مطرب بهمن، طوطی طبع، کاروان عقل، مهد زمین، سرشک سحاب، آتش باده، عروس باغ، تیر غمزه و... را نیز به کار برده است.

## ۲- استعاره

استعاره‌های به کار رفته در اشعار «تشنه» غالباً از نوع مصرّحه، ساده و زودفهم است:

یکی را دو نرگس چو بادام بود  
یکی را دگر طره چون دام بود  
(پیشین: ص ۸)

خور بر اورنگ حَمَل زد تکیه با صد زیب و فرّ  
زانکه خورشید دو گیتی جای پیغمبر گرفت  
(پیشین: ص ۲۱)

در زلف بتی آویز ایمن ز حوادث باش  
در پای خم وحدت جامی کش و انسان شو  
(پیشین: ص ۳۷)

بندۀ طره آن سرو سهی‌بالایم  
کز پی بردن دل طرفه خرامی دارد  
(پیشین: ص ۷۳)

## ۳- تضمین:

«تشنه» در تضمین شعر گذشتگان از اشعار فردوسی و سعدی بهره جسته است. اشعار تضمین‌شده از سعدی چهار بیت و یک مصرع و همگی برگرفته از «بوستان» است:

چه خوش گفته سعدی در این مرحله  
که بادا به روحش دو صد بسمله  
«به ناکردن شکر پروردگار  
شنیدم که برگشت ازو روزگار  
بزرگیش سر در تباهی نهاد  
عطارد قلم بر سیاهی نهاد»  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۳ و بوستان: بیت ۱۳۰۳-۱۳۰۴)

یکی شعرم از سعدی آمد به یاد  
«چنان قحطسالی شد اندر دمشق  
نه در کوه سبزه نه در باغ شخ  
که یاران فراموش کردند عشق  
ملخ بوستان خورد و مردم ملخ»  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۲ و بوستان: بیت ۶۰۸ و ۶۱۳)

یکی شعرم از سعدی آمد به یاد  
یکی فاسقی فاجری را نهاد  
«ستم بر ستم پیشه عدل است و داد»  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۶ و بوستان: بیت ۱۵۹۷)

در تضمین اشعار فردوسی<sup>۱</sup> نیز یکی از مصرعهای معروف این شاعر را تضمین نموده است:

۱- «تشنه» سه بیت دیگر نیز از فردوسی ذکر کرده است که در شاهنامه چاپ مسکو یافت نشد:

چه خوش گفت فردوسی این داستان  
بسه شهنامه خویش از باستان  
ز زرمیتوان لشکر آراسستن  
ز لشکر بسی کینه‌ها خواستن  
دم آتش از آب زر بسسته شد  
بدانیدیش زردار وارسته شد  
(تشنه طهرانی، دیوان: ص ۵)



چه خوش گفت فردوسی پاک دین «جهان را به چشم جوانی مبین»  
(دیوان، تشنه طهرانی، ص ۵ و شاهنامه مسکو، ج ۱: ص ۶۱)

تضمین آیه یا حدیث نیز در اشعار «تشنه» نمونه‌هایی دارد:

بریدم به ناچار از وی طمع  
قضا گفت «الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ»

(پیشین: ص ۹)

به مدح کسی بر گرفتم قلم  
که «نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ» و فتحش علم

(پیشین: ص ۱۴)

#### ۴- موازنه

مهر تو مهار شد به دیوار  
طبل تو دریده شد به بازار

(پیشین: ص ۹۷)

منور کن از نو چراغ مرا  
معتبر کن از سر دماغ مرا

(پیشین: ص ۳)

محروم از نشاطم و مأیوس از سرور  
معذور از کلامم و محبوس در درک

(پیشین: ص ۴۴)

سخت کنم بند ترزوت را  
سُست کنم قوت بازوت را

(پیشین: ص ۶۰)

#### ۵- مراعات نظیر

یکی ز آنکه آن خسرو بحر و بر  
سزوار دیهیم و تاج و کمر

(پیشین: ص ۸)

چرا شیرین نگیرد دامن فرهاد از غیرت  
در آن روزی که خسرو پرده از کار شکر گیرد

(پیشین: ص ۷۰)

#### ۶- تلمیح

یکی شوخ عیسی دم موسوی  
نمود از دو لب معجز عیسوی

(پیشین: ص ۱۱)

خلقی در او طپیده چو ضحاک ماردوش  
قومی در او خزیده چو لؤلؤی قندهار

(پیشین: ص ۳۲)

مأنوس جمعیم همه چون قوم سامری  
محشور قومیم همه چون غاصب فدک

(پیشین: ص ۴۴)

از جلوه شیرین و ز ناکامی فرهاد  
تا حشر صدا از دل کوه و کمر آید

(پیشین: ص ۷۲)

ز فردوسی این شعرم آمد به یاد  
که فردوس مأوای آن شیخ باد

بر آن انجمن زار باید گریست  
که فریادرس را ندانند کیست

(تشنه طهرانی، دیوان: ص ۱۲)

کو درفش کاویانی کو سلیمان دگر  
تا بیاساید روان کاوه از آهنگری  
(پیشین: ص ۸۱)

### ۷- جناس

در دیوان «تشنه» انواع جناسها اعم از تام، ناقص، شبه اشتقاق و ... به چشم میخورد:  
تا باد باد و خاک به گیتی قرین هم  
تا باد آب و نار به هم در زمانه یار  
(پیشین: ص ۳۲)  
چو در فارس شد فارس بم مقیم  
برون آمد از پرده خوف و بیم  
(پیشین: ص ۱۸)  
کمترین چابک سوار چاکرش در روز رزم  
قصر قیصر کرد ویران، سنج از سنجر گرفت  
(پیشین: ص ۳۴)  
تو مپندار به هر حلقه قراری دارد  
هر که با حلقه زلفت سر و کاری دارد  
(پیشین: ص ۷۱)

### ۲-۳-۲. از نظر فکری

درونمایه‌های اصلی شعر «تشنه» مدح، و هجو همراه با هزل است. با بررسی اشعار «تشنه» میتوان نتیجه گرفت که سهم مدایح او از هجویتاش بیشتر است. وی در هر شهر و دیار، هر کسی را که صاحب مقام و منصب می‌دیده؛ اعم از شاه و وزیر و مجتهد و لشکری و والی و ... مدح کرده است. زمانی «ناصر الدین شاه» و «امیر کبیر» را میستاید و گاهی شخص گمنامی چون «متولی باشی آستان حضرت معصومه» را مدح میکند.

برخی از ممدوحان «تشنه» که نام آنها در صدر اشعار ذکر شده عبارتند از: ناصر الدین شاه قاجار، امیر کبیر، قایم مقام، منوچهرخان معتمدالدوله (حاکم اصفهان)، عمادالدوله (حاکم کرمانشاه) و پسرش آقاجان بدیع، میرزا محمود و میرزا فخرالدین (مجتهدین بروجرد)، قاسم خان (والی یزد)، غلامشاه خان (والی کردستان)، آقانبی (مجتهد تویسرکان)، میرزا ابوطالب (وزیر بروجرد)، آقاعبدالله (مجتهد کرمانشاه)، میرزا تقی (وزیر اصفهان)، صدر اردبیلی و ...

«تشنه» برخی از این قصاید مدحی را همچون قدما با شریطه و دعای تأبید به پایان میبرد. نکته قابل توجه این است که وی شریطه‌ها را با صوت «آلا» و در معنی «الهی یا امیدوارم» آغاز میکند:

الا که تا بود اندر جهان بهار و خزان  
الا که هست به هم اتصال لیل و نهار  
رُخ رقیب تو بادا همواره رنگ خزان  
دل حبیب تو بادا همیشه همچو بهار  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۲۷)

هرچند ممدوحین اصلی شعر «تشنه» رجال سیاسی و درباریاند ولی مدح و منقبت پیامبر(ص) و ائمه اطهار نیز در دیوان این شاعر شیعه دوازده امامی قابل توجه و نشانه ارادت عمیق او به این بزرگواران است.

او پس از سرودن یک مثنوی در نبوت و نعت پیامبر اکرم(ص) در مورد چهارده معصوم چنین میسراید:

کسی کوره چارده تن نجست  
هر آن کو از این سلسله شست دست  
خوشا آنکه با مهرشان مهره باخت  
رُخ از چشمه آب کـوثر نشست  
به دوزخ به صدر ضلالت نشست  
به پاکی مر آن چارده تن شناخت  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۲)

«تشنه» در مدح امام علی(ع) یک مثنوی(چهل و دو بیت)، هشت قصیده(۲۵۷ بیت) و هشت

رباعی سروده است که چند بیت از این اشعار به عنوان نمونه ذکر میشود:

عرش و کرسی، نه فلک در پایه اجلال او  
کس نداند چیست این گوهر، مگر یزدان پاک  
چون حبابی سرنگون اندر محیط اخضر است  
اینقدر دانم که او همنام حیّ داور است  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۲۴)

هر کس که پس از نبی علی را شناخت  
در آتش دوزخش نگون باید کرد  
از تیرگی دیده ولسی را شناخت  
زان رو که خدای ازلی را شناخت  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۱۲)

«تشنه» علاوه بر اینکه یک قصیده(سی و دو بیت) را به امام زمان(عج) اختصاص داده است؛ در

اولین سفرش به خراسان، در منقبت امام رضا(ع) یک مثنوی سروده که ابیاتی از آن چنین است:

امام بحق حکمران قدر  
شهی کافتاب از رخش یافت نور  
به مدحش خرد آنچه گوید سزاست  
علی بن موسی شه بحر و بر  
ملک جبه سا بر درش با حضور  
که آن گوهر درج خیر التّساست  
(دیوان، تشنه طهرانی: ص ۱۰)

«تشنه» در هجو زبانی نیشدار و گزنده دارد. او از هر کسی که به وی رنج رسانده یا هر دیاری را که در آن آزرده شده با هجو آمیخته با هزل انتقام میگیرد. گاهی چندین قطعه و قصیده را به هجو شخصی به نام «آقا محمد صالح»، والی کرمانشاه، اختصاص میدهد و گاه در خلال قصیده‌ای در شکایت از روزگار، ابیاتی در هجو شهر بروجرد و مردم آن میسراید. زمانی هجو را در لفافه داستان میپیچد و زمانی دیگر به صراحت، «حضرات دراویش» را هجو میکند. «تشنه» در اغلب این هجمله‌ها، جانب ادب را رعایت نکرده و با ناسزاگویی و فحاشی چنان سخن را به هزل کشانده است که حتی کاتبان نسخ دیوان وی- بجز نسخه شماره ۹۵۱۷ مجلس- از کتابت برخی ابیات رکیک وی ابا کرده‌اند.

«تشنه» علاوه بر مذمت ترکان و دراویش و نکوهش شهرهای کرمان، یزد، اصفهان، قم، بروجرد و ... اشعاری را به هجو این افراد اختصاص داده است: معتمدالملک (حاکم همدان)، دایه خان باباخان، شکرالله خان نوری، اقبال‌الدوله هندی، شعاع السلطنه و وزیرش میرزا باقر، آقا محمد صالح کرمانشاهی و ...

البته چنانکه اشاره شد هجوئیات دیوان «تشنه»، نسبت به مداخل آن کمتر است ولی به طور کلی میتوان نظر مؤلف حدیقه الشعراء را در این باره پذیرفت که تشنه «قدری در مطایبه و هجو اصرار داشته است» (حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، ج:۱، ص:۳۳۶) و همین اصرار بارها خشم رجال سیاسی را علیه وی برانگیخته و مشکلاتی را برای او فراهم آورده است تا حدی که در یکی از این

موارد چنان تهدید میشود که از ترس، ترک وطن کرده و به عتبات عالیات میگریزد. رشحۀ اصفهانی نیز ذیل نام محمدتقی خان شقاقی (تشنه) او و سخنش را چنین معرفی کرده است:

تشنه که همیشه سیر خورده      بس گرسنه را که سیر کرده  
هر چند به کف درم ندارد      زان به که به دل کرم ندارد  
در هزل و مضاحکش سخن پر      این قطعه ازو چو حقه دُر...  
(تذکرۀ منظوم رشحۀ اصفهانی: ص ۲۷).

در کنار درونمایه‌های مذکور، «تشنه» به مضامین تعلیمی نیز نظر داشته و به طور جداگانه به آنها پرداخته است. وی چند قصیده و مثنوی در «بی‌اعتباری دنیا»، «شکایت از روزگار»، «عبرت گرفتن از دنیای فانی»، «داشتن قناعت» و ... نیز سروده است.

#### نتیجه‌گیری:

از دیوان «محمدتقی خان تشنه طهرانی» پنج نسخه خطی در ایران موجود است که کاملترین آنها را فرزند شاعر در سال ۱۲۷۸ ه.ق. کتابت کرده و مشتمل بر انواع قالبهای رایج شعر فارسی است. بیشترین اشعار «تشنه» در قالب قصیده و در بحر رمل مثنی محذوف و کمترین آنها در قالب رباعی است. درونمایۀ اصلی شعر او مدح و هجو است که در این میان سهم مدایح از هجویات بیشتر است. «تشنه» اشعاری در مدح پیامبر(ص) و ائمه اطهار نیز دارد که در این میان مدح حضرت علی(ع) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. «تشنه» نیز مانند دیگر شعرای عصر قاجار به سبکهای خراسانی و عراقی توجه داشته است؛ در قصیده به سبک خراسانی و در غزل به سبک عراقی و زبان سعدی و حافظ متمایل است اگرچه از زبان عصر خود نیز بی‌تأثیر نبوده است. وی علاوه بر تضمین اشعاری از فردوسی و سعدی، با اقتفا از شعرایی مثل انوری، امیر معزی و حافظ نیز اشعاری سروده است. «تشنه» در نقیضه‌پردازی (پارودی) هم طبع‌آزمایی کرده و در این میان از ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی بیشترین بهره را جسته است. با بررسی ویژگیهای سبکی شعر «تشنه» میتوان گفت که رویکرد او بیشتر به سبک خراسانی است. اشعار ترکی دیوان «تشنه» نیز حدوداً دو درصد از کل دیوان اوست که آنها را به صورت قالبهای مستقل شعری و یا گنجاندن در لابلای دیگر قالبها سروده است.

#### منابع

- ۱- الذریعه إلی تصانیف الشیعه، طهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۳ ه.ق)، بیروت: دارالاصفراء.
- ۲- بوستان، سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۷)، به تصحیح غلامحسین یوسفی، طهران: خوارزمی.
- ۳- تذکرۀ اختر، گرجی نژاد تبریزی، احمد (۱۳۴۳)، به کوشش عبدالرسول خیام‌پور، تبریز.
- ۴- تذکرۀ الشعراء، نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸)، طهران: اساطیر.
- ۵- تذکرۀ مرآت الفصاحه، داور شیرازی، مفید بن محمد نبی (۱۳۷۱)، با تصحیح محمود طاووسی، شیراز: نوید.
- ۶- تذکرۀ منظوم رشحۀ اصفهانی، محمد باقر (۱۳۴۴)، با مقدمه احمد گلچین معانی، طهران: امیرکبیر.
- ۷- حدیقه الشعراء، دیوان بیگی شیرازی، احمد (۱۳۶۴)، با تصحیح عبدالحسین نوایی، طهران: زرین.

- ۸- دیوان، امیر معزی، محمدبن عبدالملک (۱۳۸۹)، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، طهران: اساطیر.
- ۹- دیوان، انوری، (۱۳۶۴)، تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، طهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۰- دیوان، تشنه طهرانی، میرزا محمد تقی (۱۲۷۸ ه.ق.)، به کتابت علی اصغر بن محمد تقی تشنه طهرانی، نسخه خطی شماره ۹۵۱۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۱- دیوان، تشنه طهرانی، میرزا محمد تقی (۱۲۹۴ ه.ق.)، نسخه خطی شماره ۱۳۴۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۲- دیوان، تشنه طهرانی، میرزا محمد تقی (۱۲۹۵ ه.ق.)، به کتابت عمو، نسخه خطی شماره ۹۵۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۳- دیوان، تشنه طهرانی، میرزا محمد تقی (بی.تا. الف.)، نسخه خطی شماره ۲۴۱۳ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۴- دیوان، تشنه طهرانی، میرزا محمد تقی (بی.تا. ب.)، نسخه خطی شماره ۲۶۲۳ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۵- دیوان، حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۹)، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، طهران: زوار.
- ۱۶- دیوان، قاجار، فتح‌علی شاه (۱۳۷۰)، به اهتمام حسن گل‌محمدی، طهران: اطلس.
- ۱۷- دیوان، قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۴۸)، تصحیح سید نصرالله تقوی، طهران: گلشن.
- ۱۸- سبک شعر در عصر قاجاریه، تجربه کار، نصرت (۱۳۵۰)، طهران: مسعود سعد مهر.
- ۱۹- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۲)، چاپ نهم، طهران: فردوس.
- ۲۰- سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد (۱۳۸۷)، طهران: جامی.
- ۲۱- سخنوران آذربایجان، دولت‌آبادی، عزیز (۱۳۷۷)، تبریز: ستوده.
- ۲۲- شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، به کوشش سعید حمیدیان، طهران: قطره.
- ۲۳- فرهنگ سخنوران، خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۶۸)، طهران: طلایه.
- ۲۴- فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران، درایتی، مصطفی (۱۳۸۵)، طهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۵- فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، انوار، عبدالله (۱۳۷۹)، طهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۶- فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صدرایی خوبی، علی (۱۳۷۷)، طهران: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی.
- ۲۷- مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمد علی (۱۳۳۷)، اصفهان، مؤسسه نشر نفایس مخطوطات اصفهان.